

## رنهنود امام برای انتخاب

رئیس جمهور

اشخاصی که کاندیدا شده‌اند برای ریاست جمهوری، شما توجه کنید کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی، نه شرقی باشنده غربی امداد نه غرب زده نه شرق زده باشد، مسلمان باشد، پیر و احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسری به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، ملی باشد، سوابق خوب باشد، در رژیم سابق هیچگاه اوردند باشد و برای خودتان، خبردار دست شماست، من بنا ندارم کسی را که بین کنم.

الممتحن، ناچار، بین‌بین، نایاب، ایشان

۱۳۵۸

# انحاد بزرگ

شماره ۵۰ سهشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

## برای ایران

سیاست را یک نظام نیابت‌نظام که به نام خدا انسان، در آن، کام می‌باشد و گام می‌برد. سیاست را چیزی نیابت‌نظام به جز در سلام! من، داریوش فروهر خدمت دیگران بودن، با تمام قدرت در راه دستگار، سی سال، بی امان چنیده‌ام دیگران چنیدن و به خاطر دیگران، ذمتن گیگاه خسته و بسیار خسته، اما همیشه و هردن... من فقط یک نوع انسان می‌شناسم. آن هم انسان خداشناست آزمانتنام است و بیون آساش، بدون اندرینیدن به سرنوشت فردی خویش، بدون آنکه حتی یک لحظه ایمان را به این که ملتبه مجذعه‌گران تاریخند از دست بدhem و، بدون آنکه حتی یک لحظه این باور را فرو بگذارم که سر انجام و همیشه، رهبری بزرگ ظهور خواهد گردید که سنتگی باز تاریخ را به دوش شد اعتقد نداشتام. بکشد و چیزی را که به ظاهر، بسیار مستحکم است با بروی ایمان و ارادتی فوق انسانی خود از بیخ و بن ویران گند، و به همت ملت، چیزی باور نکردی را از همین معرفت بیگان است آنکه هرگز به این که دستی از سوی بیگانه بی

منابع طبیعی در خودداریم، تبریز انسانی پر توان و با استیاق داریم، می‌باشد با خطا و بجزیه‌گیری از این داده‌های طبیعی و کشور که بر پایه پیشنهادهای فکری مدت انسانی، بی‌درنگ به کار پسردخت. بدانسان که در همه زمینهای اصلی اسلامی ایران استادی - اجتماعی جوش به جلو بگازه اعماق شود. - فراهم داشتن استقلال کامل‌اساسی بی‌شک چگونگی ایجاد این فسروان و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و تفاوتی این فلیم ملی، باید که در عبارت‌ای روشن بقیه در صفحه ۴

## چهاردهمین احصار طلبی

انتخاب رئیس جمهور، یک امر برخیاری که انتخاب رئیس جمهور در آن انجام می‌گیرد، تبیث و خشونت و افتراق و تبیید و تمییز با گزینه‌ترین شکل هدکن سایه افکند است. نخستین گلمانی که از زبان نامزد های انتخاباتی می‌شوند، ستایش خوشبخت و محکومت دیگران است آنکه از زبان انتخاب از ذرای انصاف و راستگویی است. اعلانات تبلیغاتی گروههای رقیب با شخص و ناسزا، پاره می‌شود و یا باکملات نشست و سپسین رنگ آمیزی می‌گردند. خود خواهی و ملتویسم را دیگر دیوارهای خیابان‌ها و در بسیاری از آنها جان براین طرفداران یکی با چماق و چاقو و گام سلاح گرم به جان طرفداران دیگری می‌افتد. استفاده هزیجگیر حرفه‌ای، تقسیم پول و رونگ نایاب و چیزی‌ای نظری آن انسان را بیان دوگراسی مسخره‌ی غربی می‌اندازد!

هرگز مدعی است کلام و عقیده‌اش، آخرین کلام در اندیشه و تفکر اجتماعی است و مشروعیت فعالیت گروههای دیگر را خط بطلان می‌کند، بی‌هراس از اینکه مردم را برای همیشه نمی‌توان فریفت، نهی توان، ضامن ظالمانه اجتماعی را در پوششی زیبا شهان داشت!

اقایان، اگر قرار باشد با افتراق و ازمان‌های مردم ایران که بدان می‌بیوستند در کاربردی غلط با دیگران غلط‌ساخته شده بود، شکل برخوداری آن در زمان حوت کردند تا این حقیقت دیگری هم وجود داشت. ایستادگی کردند و فرستاد دادند تا از آنها بعنوان سیلی ایجاد شدند و بازیهای برای مردم و آرمان‌های مردم شفاهه شود، اما درگذار این حقیقت خارج کنید این چه انتخاباتی است؟ مبارزه خارج کنید این چه انتخاباتی است؟ آنچه سریان، درجه‌داران و افسران بسیاری از شیلک به سوی مردم خودداری نزد و استفاده از وسائل تبلیغاتی مساعد بقیه در صفحه ۴

## اعلامیه علماء و روحاًنیون اهل سنت و جهاد خراسان

تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲

سیدالله الرحمن الرحيم

اعلامیه: در این موقع که انتخاب اولین ریاست جمهوری اسلامی ایران در شرف انجام است اهالی مسلمان موزنین سنت و جماعت‌های اسلامی ایران در شرف و سرخس و چن‌آزاد و قابن با تشکیل جلسات مشورتی و برسی برگاه کاندیداها به مناسبت جماعت‌آی داریوش فروهر، ریاست جمیعت حسن نیت در وقایع کردستان و تلاش‌های مستمر به منظور جلوگیری از خونریزی و گستار مردم اسلامان منطقه کردستان و تایید جامعه روحانیت و حوزه‌های علمی احتجاج ایشان را به سمت اولین ریاست جمهوری کاندیدا و از نظر حفظ وحدت و همیستگی از کلیه برادران و خواهان مسلمان اهل سنت و جماعت و برادران و خواهان مسلمان تبییع انتظار داریم که با دیگرین آراء خرد به نام ایشان این انتخاب شایسته را تایید فرمایند. «مولوی شمس الدین مطہری - حاجی قاضی محمد جامی الاحمدی - حاجی فاضل ناظمی - سیدالدین جامی الاحمدی - مولوی شمس الدین درس احمدی - مولوی حفظ‌الله فرقانی - مولوی شیرمحمد مقیمی - بعدد صالح فاروقی - مولوی عبدالحق فرقانی»

## پژوهش‌یافت

گروه متعدد چایخانه‌های تهران با آنکه وشناسایی کامل به رهنودهای رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی برای انتخاب رئیس جمهور، پژوهشیان خود را از نامزدی داریوش فروهر برای انتخاب رئیس جمهوری ایران اعلام می‌نمایند.

داریوش فروهر ۳۲ سال برعلیه استعمار و استبداد، آشتی ناپذیر و بی‌امان مبارزه کرد ۱۴ بار به زندان کشیده شد، هرگز هیچ شغل دولتی نیز نداشت از سر باز و فادر نهضت ایران و شاگرد مکتب مصدق بزرگ است و استقامتش در پاسداری و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران، نمایشگر باور عمیق او نسبت به امام خمینی است.

زنان به بالاترین پایگاه‌های سیاسی و اداری کشیده  
نائل حواهند آمد.

به نام خدا  
زنان و مردان ایران زمین این  
و بیران سرایی که برای ما نهاده‌اند،  
پیشوند خواهی است. در این زمین ساخته،  
مردمی رنج دیده به سر می‌برند. سانپایست  
که هیچ کار انسانی در عیج زمینه‌ای صورت  
نمی‌گیرد. تا هم توائیستند به تاراج این سر-  
زمین گوشیدند. و تا هم توائیستند توائی  
عای ملت ما را بایه کردند و یا به پیراهه  
کشانیدند. و در پایان هاجرا سر زمینی  
بی‌ساز و برق زندگی بر جا گذاشتند.  
و ما اینکه در برابر وظیفه بزرگ بازسازی  
بین خود فرار گرفته‌ایم.  
ایران خود ساخته سترک و سنتگی  
شهه ایرانی وظیفه سترک و سنتگی  
بزی با یک فومن عظیم ملی می‌نمی‌ست.  
برای این باز سازی عظیم همه درمان  
ازین همه درد، چاره‌ای نیست هنر آنکه

## رابطه معنوی بین ارتقش و مردم

به نام خدا و بنام پایانندگی ایران  
امروز می‌خواهیم پیرامون ارتقش، نهادی  
که حافظ استقلال و همبستگی ملی است  
سخن بخواهیم. است که ارتقش ملی در نظام سلطنتی  
در عرض از این مرد و بوم ساخته شده بود  
اسلامی ایران کاربرد ارتقش داشت. است.  
ارتقش نهادی است برای دفاع از استقلال  
و از مردم‌های کشیده. برای دفاع از اعتماد  
بروزنده بود دلیل آن نیست که ارتقش باد  
بودند. ما در همین ارتقش با همان نیووه است.  
همان شووه غلط و رابطه غلطی که بران  
حکم بود، بسیاری از فرزندان می‌بودند.  
آن شخص در پایان رفران قرار داشت  
دوای ساخته با سایه ایرانی و سایه ایرانی  
روزگاران و سبزیان روز اخلاق  
آخر بتواند به دفاع از یک فرد و نظامی که  
آن شخص در پایان رفران قرار داشت  
می‌بردایت ارتقش در گذشته با سایه های  
نادرست و برایه روایی خاص است.  
کشیده شووه ساخته شده بود  
که بیشتر به دفاع از یک فرد و نظامی که  
آن شخص در پایان رفران قرار داشت  
می‌بردایت ارتقش در گذشته فداکاری های  
خود را در میان شنایان می‌دانند. در همان  
آخر نکوه از همکنندگان از یک فرد می‌خواستند  
که سرمه شیریور بودند کسانی که تاییان جان  
تاریخی از نکوه ایشان می‌دانند. در آن فرد  
باشد و در نتیجه باید که آنرا به اطاعت  
که کوکو رانه عادت می‌دانند، به همین دلیل

## بنام خدا

امام را سپاس می‌گوییم  
که با رعنود بموقع و والایش می‌دا در شماختن بیشتر چهاره راستین  
خدتگذاران داریوش فروهر یاری داد.  
همیشان گرامی

در خطا رسالت انسان مسئول بدور هاندن از هرگونه گرایشی‌ای کور با  
قطله رفیق راهیان نجات می‌بین ایان با در نظر گرفتن موقعیت  
حساس مملکت، یکباره دیگر ما انشجوبیان مسلمان ملی و متمدد ایران به  
رعنودهای والای امام اعتمان حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی در رابطه  
با شرایط افزایش جمهوری اسلامی ایران مراجعت و با تطبیق دقیق  
مختصات این رعنود با ورزیگاهی ایجاد این دیگر است.  
جمهوری اسلامی ایران داریوش فروهر بازدارنده می‌گردند و از نظر گذاره سال  
در بند روزیم گذشته را با در نظر گرفتن سوابق درخشناد و توانانی اداره  
دولت بگویی ایشان را به سمت اولین ریاست جمهوری دیگری می‌خواستند.  
کار و همچنین چلوگیری قاطع از برادران کشیده شدند عزیزان و هیات  
حسن نیت از همه تمهیزی به اسلام و بیون هیچگونه پیوستگی به هیچ طرفی  
(نه شرقی نه غربی) مسلمان و بیرون احکام اسلام سرباز قادیمی نهبت می‌دانند  
و دلسویز و خدمتگذار به ملت و در نهایت تهابکسی است که بیون هیچگونه  
بصورت کارمند ساده و جزء (در حالیکه بارعا و بارعا پست وزارت هم باو  
بیششاد شده بود) دریافتند.  
لذا ضمن پشتیبانی کامل خود از نامزدی ریاست جمهوری داریوش  
فروهر معتقدیم که تبا او هی تواند گشته چار آمده در تلاطم امواج میان  
رو ساحل نجات رعنود بگردند.

پاییند نجات داریوش - درود به رهبر عالیقدر انقلاب - پیروزیاد داریوش فروهر  
سرفراز از بوته آزمایش وفاداری به انقلاب اسلامی ملت ایران برای  
خدمت پیشتر.

دانشجویان مسلمان ملی و متمدد ایران

صد هم و پیر امید، در میان مردم

داییانی ۱۶ شهریور

دد تشییع جنازه استاد نجات‌الله

خششگین و بی‌هراس از باران گلوله

مهران و همراه کنار مردم رخمدیده قارنا

هردم آنروز با ارتش رابطه نداشتند و به آن احترام نمی گذاشتند زیرا که آنرا از خود نمی دانستند ، لیکن امروز چنین نیست این ارتش از آن مردم است و مردم تبروی پشتیبانی کننده بی بایان این ارتش ، پس باید رابطه معنوی بین ارتش و مردم برقرار شود و اعتلا حیثیت و شرافت سر بازی با حداکثر تلاش صورت گیرد . ارتش اگر مورد قبول مردم نباشد ، اگر هنکی بمردم نباشد ، اگر مورد احترام مردم نباشد ، هرگز نخواهد توانست وظیفه خود را انجام دهد ، با قرار گرفتن ارتش در جایگاه خود با کاربردن آن در هنگامهای درست ، خود به خود این احترام و این شخصیت و افزایش حیثیت پدید می آید و همه نیرو های میهن دوست ، همه استثنای طلبان و آزادیخواهان باید همه نیروی خود را در بالا بردن شرافت «مربازی احترام به ارتش و اعتلا حیثیت ارتشیان بکار آندازند ، گفتم که ارزشیان گذشته ارتش اطاعت کورکورانه بود که این باید بر چینه شود اما به جای آن بایستی انضباط آگاهانه جایگزین گردد نمی شود که ارتش باشد و انضباط نداشته باشد ، نمی شود که ارتش باشد و در میدان رزم بر سر درستی یا نادرستی تصمیم ، زیر دست با بالادست به چون و چرا بتشیند . اما باید که همه در ارتش در هر سطحی آگاه باشند که چه می کنند ، به کجا می روند و به خدمت کی هستند و این همان انضباط آگاهانه است که باید آن را از راه توجیه درست انقلاب ، توجیه درست دست - آوردهای انقلاب ، توجیه درست هدفهای انقلاب و هدفهای سیاستمداری که برای آینده ایران هست . آن اطاعت کورکورانه گذشته را بدل کرد به انضباط آگاهانه ای که تا ارتش را به یک جمع آرمانخواه توانا برای دفاع از ایران تبدیل کند . آنها که شعار - های ابلهانه یا به گفته امام توحتن گرایانه را می دادند و چامه « ارتش بی طبیه توحیدی » را می خواستند هتسخانه همچو جا دست بر روی تبعیض ها و رابطه هاو حتی ضابطه های غلط گذاشته ، پس باید که همه این ضابطه ها و رابطه ها دگرگون شود و با جدول ارزشیان انقلاب ، مازگار گردد ، تکیه بیش از اندازه به ورقه ایکه با تحصیل بدست آمده است و نادیده گرفتن تجربه سالیان دواز پرسنل

پس از انقلاب اور تشریف از کار آیی اند اختند بی آنکه خطر بزرگ تو طئه های امپریالیسته اار احساس کنند

از کار افتاده‌اند ، دست کم باید سیاستی در پیش گیریم که وابستگی را بحداقل بررساند و از طرف گوناگون جنک افزای های مورد نیاز را با هر سرعت و تا هر قیمت که در توان داریم فراهم کنیم . این یک خطر بزرگ است و نباید آن را سرسری گرفت ، باید با تکیه بر توانیهای مالی کشور به سرعت منابع جدیدی برای تامین جنک افزای بسته آورد و از این راه به نحو کامل تجهیز نمود و به دوران وابستگی آن به یک یا دو کشور خاص پایان داد . از این باید تو شود با جنک افزای های ارزشی استفاده از دانش نظامی تجارب و تخصص ، من پریروز در پادگان ارتشی برای درجه داران و افسران سخن می‌گفتم شاید در میان شما کسانی نشسته باشند که تا حد هیلیون و هیلیونها برای پیشنهاد امروز باید باین نکته ها توجه کرد باشند از این راه بزرگ خود گفتم یکی دیگر از من در برنامه خود گفتم یکی دیگر از رسالت‌های انقلاب آن است که مردم بهره‌مند از نظام گذشته را به دو صفت تقسیم می‌کند ، یکی صفت آنان که کارآمد و صاحب توانیهای سازنده‌اند و از این رهگذر به توفیق رسیده‌اند ، این گروه نباید از انقلاب بهره‌مند و نمی‌هراسند .

این را باید بسوی این باور تمییل داشت که میتوانند با پذیرش جنوب‌ازشی نو در پی ریزی ساختهای تازه سپهی و نقشی داشته باشند . این گروه شاید در آغاز انقلاب بدور یا حتی در نهان رو بروی آن باشند ولی نظام اداره کننده انقلاب باید بادر پیش گرفتن روش‌های سنجیده ، از این شیوه آنان را بسوی انقلاب و سازندگی اناهایی گرایش دهد ، آگاهشان سازد که پدیده آمدن ارزش‌های نو به معنای فناز آنان نیست بلکه بر عکس به معنای بازتر گردن هیدان ابتکار و عمل است و آنان هم در این هیدان پهناور می‌توانند دستی و سه‌هی شایسته داشته باشند .

ایجاد روابطه معنوی بین ارتش و مردم ،

## رابطه معنوی بین ارتقش و مردم

ارتش نمی‌تواند از سیاست کشور بدور بماند، یعنی اینکه کاربرد ارتش را سیاست کشور برهمگزیند، درگذشته کشور ما خوان یغمای امپریالیستها بود همه نهادها در خدمت بیگانه بکار گرفته میشد، حتی شخصی که ارتش پاسداری او را بزرگترین وظیفه می‌شناخت خود در خدمت بیگانه بود، پس استراتژی اصلی ارتش‌ها در پیوند با استراتژی سیاسی واپسیه بود، کشور ما خوان یغمای امپریالیستها غربی گرچه اندکی هم غیر غربی بود، وظیفه ارتش هم دفاع از این امپریالیستها در سطح منطقه در رابطه با سطح جهانی بود، ارتش و همه ارتشیای کشورهای پیوسته به سنت وظیفه دفاع پهلوی شرقی پیمان ناتو را داشتند و به همین دلیل است که می-بینید بیشترین قدرت ارتش از لحاظ رزمی در غرب کشور و در دامنه زاگرس قرار گرفته، اما امروز ما در میان ابرقدرتها یک سیاست عمراء با استقلال را پیروی می‌کنیم به عبارت دیگر استقلال و نا-وابستگی نخستین اصل سیاسی ملت ما است، پس کاربرد ارتش هم با این اصل قرارگون میشود ارتش ما در چهار گوش ایران و در برابر هر ابرقدرتی باید که استراتژی دفاعی خود را داشته باشد بنابر این سازمان دادن یگانهای ارتشی و تعیین قرارگاههای آنها باید با توجه با این سیاست و ویژگیهای سرزمینی، طول هر زها و قدرت نظامی کشورهای هم‌جوار تعیین شود، اینکه شکست روبرو هستیم و ارتش نمونه بارز آنست که رویه انتہام است. نهادی که رهبر انقلاب از روز نخست پیروزی، همه نیروی خود را برای توانائی آن بکار انداخت بازها فرمان داد که آنرا نیرومند بسازیم، بارها نیاز بوجود آنرا ناگید کرد ولی می‌بینیم هنوز ارتش، آن نیست که باید باشد.

در حانی که رهبر انقلاب هرگز از شکل خاصی برای ارتش سخن نمی‌گفت چگونه کسانی بخود جرات دادند و اصطلاح جامعه بی‌طبقه توحیدی را که معلوم نیست از کجا آموزشیای اسلامی بوسیله این تازه بدوران رسمیه‌ها بیرون کشیده شده بکار بردنده همه میدانیم رهبر انقلاب همواره بر لزوم مسلسله مراتب و نظم در ارتش پا فشرده و سرانجام چندی پیش در دیدار با پرسنل شهربانی یزد آشکارا برروی این اعلام نمود: «گاهی دیده میشود که بعضی از افراد منحرف در بین پرسنل همای شهربانی یا در بین درجه‌داران این است که به آنها میگویند که حالا انقلاب شده است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده است دیگر درجه‌دار و افسر و سرباز نمارد این تبلیغات را در اذهان جوانان انداخته‌اند جامعه توحیدی به آنطور که آنها میگویند یعنی جامعه هرج و هرج هرده یا باید مثل سرلشکر یا همه سرباز

دارند، کسانی که خود را نامزد مقام‌های بسیار بالا هم کرده‌اند، دانسته یاندانسته ارتش را از کارآیی انداختند.

زعانی که انقلاب رخ داده بسود و ساختمان کریں باید فرمی دیخت و ساختمان نو بجای آن استقرار می‌یافت: در این دگرگونی پیدا بود، درگیری‌های بسیار خواهیم داشت. پیدا بود که ما با توطئه‌های امپریالیستی روبرو میشویم، پیدا بود دشمنان ما در همسایگی و در دورتر همه نیروی خود را بر ضد ما بسیج خواهند کرد. متأسفانه تصمیم‌هایی گرفته شد که ارتش را به ناتوانترین حد رسانیدند، تصمیم به یکسال کردن خدمت نظام، ارتش را یکباره تهی کرد، اگر در میان فرماندهان رده بالا یا افسران و درجه‌داران، خیانتکاران وابسته به نظام گذاشته بودند که تصور خطر از ناحیه آنها میرفت قبل از کنار گذاشته شده بودند پس این تصمیم درباره سربازان از چه نیتی مایه میگرفت مگر در روند انقلاب یکی از سربازان تصمیمی بر ضد مردم، از خود و با اراده خود گرفته بود؟ آمدن خدمت نظام وظیفه را یکسال کردن و توانایی ارتش را حداقل به یک چهارم آغاز آن رسانندند ها با پادگانهای روبرو شدیم که تعداد افسران و درجه‌دار آن به مراتب از تعداد سربازان آن بیشتر بود و من در روزهای سختی دیدم افسران جوان و درجه‌داران سالمندی که تفنک بدوش شدند گرچه در بین ارتشیان بودند کسانی که به آن نظام بوسیله دلستگم داشتند سوی مردم تیراندازی نکردند، در آغوش میکشیدند و آنها را گلباران میکردند و سرانجام ذات مردمی این ارتش فرصت داد، هنگام که موج ایمان از میان مردم به درون آنها راه یافت همه چیز دگرگون بشود. شاید بسیاری باشند که تصور کنند آن ارتش نمی‌توانست دیگر در برابر مردم استادگی کند این یک اشتباه محض است ارتش از چنان قدرت آتشی برخوردار بود که اگر می‌خواست دهها هزار و شاید صدها هزار فرزند دیگر ایران شوید میشندند، بی‌آنکه انقلاب ما سرانجام درستی گرفته باشد، پس در پرتو وجود اعتقاد به ایران اعتقاد به ملت ایران و وجود زمینه‌های درست ایمانی در برخورد با مردم سرانجام ارتش از پیروی فرماندهان خود فروخته و نادان و ناتوان سرپیچیده و به مردم پیوست و پیروزی ما در لحظه‌های آخر با قرار گرفتن بسیاری از سربازان، درجه-داران و افسران و بهویشه بخشی از نیروها به مردم شکل گرفت به همین دلیل هم رهبر انقلاب و آنها که بجدول ارزشیای انقلاب آگاهی کافی دارند، آنها که به ایران و آینده ایران می‌اندیشیدند، آنها که درصد ساختن آینده میهن بودند از همان روز نخست لزوم بقای ارتش، بازسازی ارتش و نیرومند بودن آنرا به عنوان یک نهاد پاسدار انقلاب اسلامی ملت ایران پذیرا شدند گرچه در بین ارتشیان بودند کسانی که به آن نظام بوسیله دلستگم داشتند

آنها که به آینده ایران می‌اندیشند، به استقلال و  
تمامیت ارضی ایران می‌اندیشند خواهان یک ارتش  
نیرومند ملی هستند

فیروزهند ملی هستند

نگریستند و کمان بودند که این سهادی امانت تنها در خدمت گذشته‌ها و ساخته شده برای آنچه در هم شکسته شده است و ناگزیر ضد مردمی است و باید از همان بروند، در حالی که آنها دم از میان بردن ارش می‌زند کسانی نیز آنها را روشنای نادرست را پیش گرفتند تا برجامی‌ها که به اندازه کافی وجود داشت دامنه گستردند از این بدهند کسانی هم ندانسته با وجود اعتماد به انقلاب اسلامی ملت ایران و با وجود اعتقاد به اینکه این انقلاب باید سازمان دنیاع کننده، توانایی داشته باشد، شیوه‌های نادرستی را در اداره گردن و ندرت بخشیدن به این نهاد پیشنهاد می‌کردند که به کار گرفتن این پیشنهادها همان ضربه‌هایی را برآتش زد که دلخواه کسانی بود که نمی‌خواستند ارتقی بماند و به هنکام خود وظیفه سایسته‌ای را در برابر ایران، در برابر آینده ایران و در برابر دمتاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران ایفا کند، از همان روزهای نخست این غلط کاریها آغاز شد دگرگونی پرسنل بدون توجه به یک ضابطه روشن و بیشتر پانصه هزار دیبلوم سکار افزوده شدند، اساس ساخته آشنازه‌ها عمل گردید و

نگاریم زیرا که با کسی سر جنک نداریم یا ما نیروی دریائی شصت هزار نفری نمی‌خواهیم بیست هزار نفر کافی است با چه میزانی این طرح دیزیها را می‌کنند از کجا؟ و کی؟ این تیشه‌ها را بدست آنها میدهند که دیشه استقلال ایران را بزنند جای بسیار سخن است ارتقی براحتی در رابطه با کاربرد آن با توجه بطول مرزها و قدرت نظامی هوسایگانی که هر یک بالقوه نیروی تعاظزگر به میعنی ماست ارزشیابی شود و توانائی آن بر این پایه استوار گردد و هم از لحاظ نفر و هم از لحاظ جنک افزار با چنین حالتی بانشند من نمی‌گویم و آرزو پروری نمی‌کنم که ما باید ارتقی داشته باشیم که از روی هوس بگوییم ارتقی سرخ را چنین و چنان خواهد گرد، اعیان بالیسم آمریکا ر ادر خلیج فارس، فرو خواهد برد، بی شک هلتی بیاری ارتقی هلن میتواند در برابر بزرگترین ابر قدرتها ایستادگی بکند و اگر اینکه پیروز نشود دست کم هر دانه و شرافتمدانه بمیرد، ولی توجه داشته باشیم که اگر ابر قدرتها نتوانند هارا به دست خود را اندادند و سیاست

لازمه تمدن آنست که درجهات باشد یکی فرض کنید مهندس باشد یکی دکتر باشد یکی سرگرد اگر این را بردارید و بخواهید جامعه توحیدی به آن معنا درست کنید برگشت به توحش است معنا یش یک جامعه حیوانی است در غیر حیوان هاجامعه توحیدی نداریم حیوانها هم یک جوگز نیستند اگر مقصود این معنا جامعه توحیدی است جامعه توحیدی در بشر تاکنون وجود پیدا نکرده است الا آن وقتی که وحشی بودند. می‌بینید که چگونه امام رسوا مینماید کسانی را که به انقلاب رنگ خاص می‌زنند و می‌خواهند بدلوخواه خود همه چیز را اسرار بریزند و لابد حتی غیر ظاهی‌ها بر دد و دیوار شهر شعار ارتقی بی‌طبیه توحیدی را خوانده‌اند، به گفته امام خمینی این شعار را از آن کسانی است که فقط خواهان نوحش و هرج و مرج هستند نه نظم و نه نیروی سازمان یافته‌ای که بتواند به هنکام خود از ما و از هستی ما و از فرهنگ ما دفاع کند، اکنون باید که بر همه این زشتی‌ها نقطه پایان نهاد در گذشته غلط کاری سیار بوده است. اطاعت کورکورانه گرفتند و پاس دادند تا ارتقی رانگپدارند، این خیانت را کسانی گردند که نمی‌دانستند انقلاب ایران به کجا می‌رود و چه نیازهایی دارد و باز تصمیماتی که ظاهری مردمی داشت ولی برای آینده ارتقی بسیار خطرناک بود، من در هیئت وزیران بینگام تصمیم‌گیری در این مورد با قاطعیت‌گفتم و امروز می‌گوییم تبا وزیری بودم که با این تصمیم غلط، مخالفت کردم و در صورت جلسه هم واداشتم که قید شود.

این تصمیم به ظاهر برای راضی گردن جوانان بود مگر این جوانان می‌خواستند به کجا بروند و چه کاری انجام بدهند که ارزش آن از خدمت سربازی گران بهاء تر و هایه رضایشان باشد.

جز اینکه به خیل میلیونی بیکاران کشور می‌بیوستند. پس آنها که پیشنهاد دهنده و پذیرنده این کار غلط بودند، نه تبا به ارتقی نیتدیشیدند، بلکه به وضع کشور هم نیتدیشیدند، به سرنوشت همان‌جوان. این غلط کاریها آغاز شد دگرگونی پرسنل هم نیتدیشیدند اگر دیپلمه بودند به بیشتر پانصه هزار دیبلوم سکار افزوده شدند

ذات‌مردمی ارتش فرصت داد موج ایمان از هیان  
هودم به درون آن راه یابد و همه چیز دگو گون شود

گو اینکه بطور کل بافت بازنشسته گردن را شکل تصفیه دادن خود یک کار نادرست بود و این خود نادینه گرفتن ارزش کسانی بود که سالها به حاطر ملت و میهن کار گرده بودند و با یک عمر نیکانمی به انتخار بازنشستگی رسیده بودند. بطور کلی شکل این بازنشستگی یعنی بازنشستگی در این هرم بصورت افقی کار غلطی بود و اگر باید که کسانی از ارتش زیر این نام جدا هی شدند این جدایی باید به شکل عهودی انجام می‌گرفت گرچه در سطح بالا بودند تعداد زیادی که به دژیم گذشته بستگی داشتند. ولی به‌هرحال در سطح پائین حتی در میان درجه‌دارها هم چنین کسانی یافت می‌شدند که از همان آغاز شعارهایی با درون مایه‌ای نادرست همچون سوراسازی و کمیته سازی را سر دادند همان کسانی که تا دیروز در فشنهای حاکم بر ارتش شرکت داشتند به داخل گمیته‌ها، شوراهای نفوذ گردند. بگذراید روش‌تر بگویم این کمیته‌ها و این شوراهای نیسته این شکل گرفت که نه به علت دوری از رابطه‌های گذشته بلکه به علت ناتوانی‌ها و ناشایستگی‌هایی که حتی در آن نظام هم خریداری نداشت دور از جریان مانده بودند و به این ترتیب این کمیته‌ها، این شوراهای بیشتر بعثت ناتوانان ارتش پدید آمد تا به‌گمان خود ارتش را برآ ناشایستگی نشان داده و امروز در همه زمینه‌ها با نابسامانی و می‌توان گفت با را تشکیل میدادند، از جمله اینگونه تصمیم گیریهای غلط محلی گردن پرسنل ارتش بود یعنی فرستادن درجه‌داران، افسران به شور و زادگاهی که می‌خواستند و پادگانی دد آن وجود داشت. در همه جای دنیا ارتش ملی و انتخاب محل استخدام در ارتش، چه در بزرگترین ارتش‌های دنیا و چه در کوچکترین آنها هرگز به دلخواه، افسر یا درجه‌دار و یا سربازی نیست زیرا که این استقرار باید بر حسب نیاز ارتش انجام گیرد، نه بدلخواه پرسنل و این آسیب های وارد در شکل‌های گوناگون به ارتش بطور غیرمستقیم پیوسته به ملت نیز داده شد ارتشی که در برابر ایمان روشهای حفظ استقلال و تمامیت ارفس کشور ساخته شود، و اینکار نیاز به راه حل‌های متفقی دارد و کسانی که می‌خواهند زمام کشور را به‌عهده بگیرند نهی توانند نسبت به این نهادهای ضروری برای بقا و هستی ملت بی‌تفاوت و بی‌برنامه باشند، من بی‌آنکه به تخصص وارد شوم بی‌آنکه هانند بسیاری از داعیه‌داران خود را همه‌چیز دان بدانم اعتقاد دارم دنیای امروز دنیای کار گروهی، کار سازمانی و کار تخصصی است و اعتقاد دارم ارتش یکی از پیچیده‌ترین سازمانهای علمی در دنیای نو است و اعتقاد دارم که یک نظامی باید از دانش بسیاری برخوردار باشد تا یک نظامی درست و یک ارتشی واقعی باشد، نفعه نظرهایی را با رایزنی یارانم برگزیندام که یادآور می‌شوم.



می دهم که همهی زمینه های زندگی از تکه هواهه تا کور دار در بر بگیرد و تکرانی را از ذهنها و قلب جاده مردم بزید.

- به مشکل مسکن، توجه خاص خواهد داشت و ترتیب می می سازیم که خانواری ایرانی صاحب خانه خود باشد.

- ده تامین پیدا شده، تامین سازی محیط و برکنار داشتن آن از هرگونه آلوگی، کوشش فراوان خواهم کرد.

- موجبات بهره مندی از پیدا شده و درمان ملی را فرامخواهم کرد. بیماری و مرگ بیانی نو درس را از شیر و ووستا به بیکسان، خواهم واند.

- ارتش، با بات ملی، نوسازی می شود و از اختصار و احترام همگانی، برخود را می گیرد و با بهره گیری از داشتن و ایجاد در تجهیز می شود و قدرت می -

باید. در اختلاطی بیکاری توافق برای استقلال و تمامیت ارضی کشور و پاسداری هر چیز را.

- نیروهای انتظامی به مفهوم واقع وظیفه خود آشنا خواهند شد و آموزشی انسانی و اخلاقی دریافت خواهند داشت و قدرت خواهند یافت تا امنیت داخلی را آگاهانه پاسداری کنند.

دوران تازه ای در تاریخ ایران آغاز می شود، ارج این دوران را می شناسم و سنتیست مسئولیتی را که در برآور تاریخ بروگیرده می گیرم، نیز می شناسم.

سرنوشی جز، سرنوشت ایران از داشته ام و ندارم. در همه روژهای تیره، عوه را ملت بزرگ ایران بودم، در فرد نیز چنین خواهم بود. هرگز از اختلاف و انتقاد بسیار نخواهم بیچم. اختلاف و انتقاد را در استوارتر کوردن دوران نو تاریخ

حرمت و حیثیت دادرسان را در پیش چشم خواهم افزود.

دانش و تا هر جا میسر پاشد برآن خواهم افزود.

ایران صاحب رسالت می شناسم، اختلاف و انتقاد، در برآور کوردن نظام اداری و سیاسی، نقش انتشار این داد.

قدرت های خلائقی ملت ایران در قالب نظم و کار، جلوه می گند و در برآور قدرت اسلامی ملت ایران، بینین کیشمال ما را با جدول ارزش های نو بازسازی خواهد کرد.

برای اجرای برنامه ای که آزادی و آزادی ایران را در برآور دارد، از همه ایرانیان، از عهده شما، زنان و مردان افغانی، از کارکنان، از بازاریان، از کارمندان، از پیشوپوران، از اذنشکاریان، از روحانیان عالیقدر و از داش آموزان و دانشجویان کمک می -

طبیم. ایران را از باد نبرید، به باری ایران بیانید و به من اختقاد کنید.

روزهای سرای و اندوه را، روزهای شکنجه و زمان را با شما تکرار نهاده، اینها نمی توانند خامنیزگار ملت پاسخند باشند.

خدمات لازم را به روستا خواهم رساند، تا روسستانیان در زاده های خود انسایش کنند.

در ساخت اجتماعی ایران از داده ای اسناد فرهنگ ملی و تمدن تاریخی ایران هستند، همه سعی لازم را به کار می برم و بیزه جوانان از هیچ کوششی در دست نهادند آنها به همه جلوه های گوناگون قوی و بینای انسانی و اسلامی و سازنده و

اعتراف کنندی آن، جای خود را بایزید.

- در تکاره ای اسناد فرهنگ ملی که در تکاره ای اسناد پاسخنامه ای که می برسد، می برسد برآن خواهم افزود.

در ساخت اجتماعی ایران از داده ای اسناد فرهنگ ملی و تمدن تاریخی ایران هستند، همه سعی لازم را به کار می برم و بیزه جوانان از هیچ کوششی در دست نهادند آنها به همه جلوه های گوناگون قوی و بینای انسانی و اسلامی و سازنده و

اعتراف کنندی آن، جای خود را بایزید.

ایران را به کار می برسد برآن خواهم افزود.

ایران را به کار می برسد برآن خواهم افزود.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.

ایران را به کار می برسد برآن خواهد شد.</